

Spring and Summer 2025, 2 (3), 166-174.

## A reflection on the role of Al Sayyid in weakening the Hudaydah and the northeastern lands of Andalusia

Rezvan Yazdani<sup>1</sup> 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, University of Saravan, ZAHEDAN, IRAN. E-mail: rezvanyazdani1@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research</p> <p><b>Article history:</b> Received: 31 January 2025 Accepted: 21 July 2025 Published online: 6 September 2025</p> <p><b>Keywords:</b> Al-Sayyid, Bani Hood, Andalusia, Castile, Muslims, Umayyads.</p>	<p>After the collapse of the Umayyads (442 AH/1031 AD) in Andalusia and the formation of small tribal kingdoms, a turning point was formed in political history and foreign relations with the Christian states of northern Spain. In the meantime, the Banu Hood (431-503 AH/1046-1118 AD), one of the important tribal kingdoms, sought a new model in political-military relations with the Christian states of northern Spain. This study examines the policies of the Hoodians towards the Christian states of Spain. It also analyzes the behaviors and actions of the Christian states in confronting the Hoodians and the relations that led to the increase in military cooperation between the Banu Hoods and Castile; in such a way that the prominent Castilian commander Rodrigo Díaz, known as El Sayed Campidore, went to the court of the Hoodians. The article then refers to the evaluation of the consequences of El Sayed's entry into the Hoodian caliphate and examines its role in weakening the Banu Hood government and other states in eastern Andalusia. The research findings show that after gaining power in the Hudayd Caliphate, Al-Sayyid openly rebelled against the Bani Hud government and eventually formed an independent state in eastern Andalusia.</p>

**Cite this article:** Yazdani, Rezvan, Second. (2025). A reflection on the role of Al Sayyid in weakening the Hudaydah and the northeastern lands of Andalusia. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 2 (3), 166-174.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2062869.1049>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ۱۶۶-۱۷۴.

## تأملی بر نقش آل سید در تضعیف هودیان و سرزمین‌های شمال شرقی اندلس

رضوان یزدانی<sup>۱</sup> ✉

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سراوان، زاهدان، ایران. رایانامه: rezvanyazdani@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: ترویجی</p> <p>تاریخ دریافت:</p> <p>۱۴۰۳/۱۱/۱۲</p> <p>پذیرش نهایی:</p> <p>۱۴۰۴/۰۴/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار:</p> <p>۱۴۰۴/۰۶/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>آل سید، بنی‌هود، اندلس، قشتاله، مسلمانان، امویان.</p>	<p>پس از فروپاشی امویان (۴۴۲ ق/ ۱۰۳۱ م) در اندلس و شکل‌گیری دولت‌های کوچک ملوک الطوائفی، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و روابط خارجی با حکومت‌های مسیحی شمال اسپانیا شکل گرفت. در این میان، بنی‌هود (۴۳۱-۵۰۳ ق/ ۱۰۴۶-۱۱۱۸ م) از دولت‌های مهم ملوک الطوائف در جستجوی الگویی تازه در روابط سیاسی- نظامی با دولت‌های مسیحی شمال اسپانیا برآمد. این پژوهش به بررسی سیاست‌های هودیان در قبال حکومت‌های مسیحی اسپانیا می‌پردازد. همچنین تحلیل رفتارها و اقدامات حکومت‌های مسیحی در مقابله با هودیان و روابطی که منجر به افزایش همکاری نظامی بنی‌هود با قشتاله شد؛ به گونه‌ای که فرمانده برجسته قشتاله رودریگو دیاز مشهور به ال سید کمپیدور راهی دربار هودیان شد. مقاله در ادامه به ارزیابی پیامدهای ورود ال سید به دستگاه خلافت هودیان اشاره نموده و نقش آن در تضعیف حکومت بنی‌هود و دیگر حکومت‌های شرق اندلس را سنجیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ال سید پس از قدرت گرفتن در دستگاه خلافت هودیان آشکارا علیه حکومت بنی‌هود قیام کرد و سرانجام دولتی مستقل در شرق اندلس تشکیل داد.</p>

استناد: یزدانی، رضوان (۱۴۰۴). تأملی بر نقش آل سید در تضعیف هودیان و سرزمین‌های شمال شرقی اندلس. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۳)، ۱۶۶-۱۷۴.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

## ۱. مقدمه

در نیمه قرن پنجم هجری در ترکیب سیاسی- نظامی و شیوه حکمرانی لندلس دو تغییر عمده پدید آمد؛ نخست آنکه، خاندان‌های مختلف عرب، بربر و غلامان عامری با بهره‌گیری از سقوط امویان قدرت را به دست گرفتند و عصر ملوک الطوایف را بنیاد نهادند. این دوره خود به سه دوره تقسیم می‌شود: دوره اول از ۴۲۲ تا ۴۸۰ ق که به دست مرابطون از میان رفتند؛ دوره دوم از سال ۵۳۹ تا ۵۵۵ ق و دوره سوم از ۶۲۰ تا ۶۸۵ ق که با سقوط بنی‌احمر در غرناطه به پایان رسید. دوم، نظر به اتکای بدنه سیاسی و نظامی حکومت‌های عصر طوایف بر فرماندهان نظامی و رقابت‌های شلید برای گسترش مرزها و از سویی دیگر برتری نظامی همسایگان مسیحی شمال شد تا حکمرانان مسلمان اندلس دست به دامن حکومت‌های مسیحی اسپانیا شوند؛ اما نتایج دراز مدت این دو تغییر، از یک سو تشدید جنگ‌های منطقه‌ای، تضعیف و اضمحلال حکومت‌های طوایف و از سویی دیگر حضور نظامی دولت‌های مسیحی در اندلس را فراهم کرد (ابن‌عداری: ۱۹۸۳ م: ۲۲۱/۳).

بنی‌هود (۴۳۱-۵۰۳ ق) از خاندان‌های مهم و تأثیرگذار در عصر ملوک الطوایف به شمار می‌آمد؛ از آن جهت که بر مناطق مرزی مهم در شمال‌غربی اندلس به مرکزیت سرقسطه حکمرانی می‌کردند (حمیری، ۱۴۰۸ ق: ۷۶). قلمرو آن‌ها مجاور سرزمین‌های مسیحیان اسپانیا بود. هودیان برای گسترش قلمرو و حفظ اقتدار حکومت خود، برقراری روابط سیاسی- نظامی با مسیحیان اسپانیا را یک ضرورت می‌دیدند.

مسئله اصلی این مقاله آن است که چگونه هودیان با اعتماد به مسیحیان اسپانیا و توسل به فرمانده نظامی نامدار آنان یعنی رودریگو دیاز معروف به آل سید به تدریج مقدمات سرنگونی حکومت و دیگر سرزمین‌های لندلس را فراهم

کردند؟ این پژوهش، ضمن ارائه چگونگی حضور آل سید در دربار هودیان، به بررسی نقش بی‌بدیل این شخصیت در تضعیف و سقوط حکومت بنی‌هود و دیگر دولت‌های شرق اندلس پرداخته است.

درباره حضور آل سید در دستگاه حاکمیت هودیان و نقش او در سقوط این خاندان و دیگر حکومت‌ها، پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ هرچند بیشتر تحقیقات انجام شده به زبان اسپانیایی و انگلیسی درباره نقش چشمگیر آل سید در استقلال کشور اسپانیا سخن گفته است (El Seid, 1833: 23). منابع اولیه عربی نیز به صورت پراکنده به این موضوع اشاره دارند؛ کتاب ابن‌عداری، تحت عنوان البیان المغرب فی اخبار المغرب و الاندلس در اثنای حوادث اندلس، مطالب گسترده‌ای در این زمینه عرضه کرده است. در تحقیقات جدید، محققان به نقش آل سید در دوره‌های مختلف اندلس اشاره نموده‌اند. می‌توان به کتاب دولة الاسلام فی الاندلس اثر عنان که جلد سوم آن به حکومت بنی‌هود و مسیحیان شمال و نقش آل سید در دولت‌های طوایف پرداخته است و نیز کتاب پیدال و فیدهنری که به صورت کامل حیات سیاسی و نظامی آل سید در حکومت قشتاله و هودیان را بررسی کرده و اقدامات او را ستوده‌اند، اشاره کرد. تا آنجا که آل سید را قهرمان بزرگ تاریخی اسپانیا معرفی کرده‌اند. با این حال، تاکنون به زبان فارسی نقش آل سید در حکومت بنی‌هود به بوته نقد و بررسی گذاشته نشده است. از این رو، پژوهشی مستقل برای نقش او در سقوط هودیان و زمینه‌های نفوذ مسیحیان به اندلس و تضعیف حکومت‌های طوایف نگاشته نشده است.

## ۲. نقش حکومت قشتاله در ورود آل سید به سرزمین‌های شرقی

قشتاله در شمال شرقی اندلس واقع و حکومت آن در دست مسیحیان اسپانیا بود. حکمرانی قشتاله در سال

چالش پیش‌رو سوگند یاد کرده بود؛ به دلیل رفتارهای آل سید، بی‌اعتمادی عمیقی نسب به او داشت (presto, 1884: 37؛ Fitzhenry, 1833: 11-12). با وجود این، آل سید در دوره آلفونسو پیروزی‌های چشمگیری به ارمغان آورد. علاوه بر گسترش قلمرو، مدعیان فرمانروایی آلفونسو را به حاشیه راند. در سال ۴۶۳ق/۱۰۷۳م با تاختن به قلمرو گارسیا محدوده فرمانروایی آلفونسو را تا شمال اسپانیا گسترش داد. با این همه، آلفونسو که از اقتدار نظامی آل سید هراسناک بود، او را در سال ۴۷۴ق/۱۰۸۱م تبعید کرد.

وضعیت سیاسی - نظامی ملوک الطوائف در این دوره از دو جهت قابل تحلیل است: نخست، خاندان‌های مختلف حکومتگر سراسر اندلس را به ۲۶ قسمت تقسیم کرده بودند. به نحوی که در هر منطقه، طایفه‌ای بر آن فرمانروایی می‌کرد؛ همه حکمرانان ملوک الطوائف برای تثبیت قدرت و حفظ محدوده قلمروی خود سیاستی تهاجمی و جنگی برای مقابله با رقیبان داخلی و همسایگان خود در پیش گرفتند. این مسائل سبب ناپایداری و هرج‌ومرج نظامی در منطقه اندلس شد. دوم اینکه، عدم اعتماد، همبستگی و همگرایی میان دولت‌های مسلمان و ترس از قدرت یکدیگر سبب شد آنان در مناسبات سیاسی نگاه به حکومت‌های مسیحی اسپانیا را دنبال کنند. این وضعیت زمینه نفوذ حکمرانان و فرماندهان نظامی اسپانیا از جمله آل سید به دستگاه بنی‌هود و سپس منطقه اندلس را فراهم کرد. نتیجه این نفوذ، چیزی جز تضعیف حاکمان مسلمان بنی‌هود و سقوط دیگر شهرهای اندلس نبود (ابن‌عداری، ۱۹۸۳م: ۳/۲۲۲-۲۲۸). آنچه هودیان را ترغیب به ایجاد روابط حسنه با دولت‌های مسیحی نمود، نخست، همسایگی قلمرو جغرافیایی آنان به دولت‌های مسیحی بود و دیگر حکومت بنی‌هود برای حفظ اقتدار سیاسی - نظامی خود و ایجاد موازنه قدرت با رقیبان سیاسی منطقه اندلس و نیز در راستای تأمین امنیت و ثبات درون

(۴۶۳ق/۱۷۰۳م) همزمان با دوره هودیان به دست آلفونسوی ششم بود. فرمانده نظامی او رودریگو دیاز به عنوان جنگاوری کارآزموده، نقش برجسته‌ای در پیروزی حکام قشتاله ایفا کرد. با این حال در پی قدرت بلامناع سیاسی - نظامی رودریگو دیاز در حکومت قشتاله، آلفونسو این تاب‌آوری را نداشت و او را تبعید کرد. در قشتاله از دیرباز خاندان بزرگ و منتفذ فرناندو قدرت را در دست داشت، پس از مرگ وی با تشدید منازعات جانشینی میان فرزندان، رودریگو به حمایت از سانچو در مقابل آلفونسو برادر دیگر وی برآمد و در سال ۴۵۹ق/۱۰۶۸م با ضربه‌ای سهمگین به سپاه آلفونسو، او را وادار به عقب‌نشینی کرد (حجی، ۱۹۷۶م: ۳۶۴). این کارزار درون‌خاندانی مجاللی برای درخشش قدرت نظامی و جنگجویی رودریگو و تثبیت جایگاه والایی در عرصه نظامی بود. با این پیروزی نه تنها محدوده قدرت او بر قلمرو قشتاله گسترش یافت، بلکه حاکمیتش تثبیت شد (عنان، ۱۳۶۷: ۲/۳۹۶؛ Preston, 1833: 7-15).

قشتاله پس از مرگ سانچوی دوم در سال ۴۶۲ق/۱۰۷۲م ناآرام شد. آلفونسو برای احیای قدرت و کسب سلطنت حملات نظامی پیاپی به قشتاله را آغاز کرد. از طرفی دیگر فقدان اعتماد اجتماعی و انزجار مردم از آلفونسو، به مراتب خسارت‌های بسیاری به بار آورد و مانع رسیدن آلفونسو به تخت پادشاهی در قشتاله شد. مردم لیون، آلفونسوی ششم را عامل قتل پادشاه می‌دانستند. در نتیجه حاضر به قبول حکمرانی وی نمی‌شدند (عنان، ۱۳۶۷: ۴۰۱/۲؛ presto, 1884: 37؛ Fitzhenry, 1833: 11-12). در این میان، آل سید تلاش کرد در این چالش نقش مهمی ایفا کند. او نخست، اشراف منتفذ قشتاله که تشریفات قسم را بر عهده نگرفته بودند جمع نمود و در مراسمی از آلفونسو خواست با اقرار و سوگند بی‌گناهی را نسبت به مرگ برادرش سانچو اثبات نماید. آلفونسو که برای دست‌یابی به قدرت و رهایی از

خاندانی، ارتباطات بیشتری با مسیحیان برقرار کرد (حجی، ۱۹۷۶: ۳۵۶؛ سامرای، بی تا: ۵۷؛ عنان، ۱۳۶۷: ۲/۲۷۱).

گزارش‌ها و بررسی‌های تاریخی حاکی از آن است همه حکام بنی‌هود از آغازین سال‌های حکمرانی تا آخرین لحظات سیاسی حکومت خویش در پی برقراری روابط نیک با حکومت‌های مسیحی بودند؛ اگرچه در این ارتباطات بیشتر نظامی متحمل خیانت‌ها و خسارت‌های اقتصادی و نظامی فراوانی شدند، اما این سیاست نامطلوب در مناسبات فی مابین تداوم داشته است؛ به عنوان نمونه اولین حکمران هودی، سلیمان بن هود (۴۳۱-۴۳۸ ق/۱۰۳۹-۱۰۴۶ م) در نخستین سال‌های حکومتش برای تقویت نیروی نظامی از فرزندوی قشتالی درخواست جنگجو نمود. به گمان وی با به کارگیری شماری از فرماندهان ماهر قشتاله علاوه بر ساماندهی اوضاع داخلی در منطقه فرمانروایی‌اش، اقتدار خویش را به رخ دیگر دولت‌های طوایف می‌کشید. او به منظور حفظ و تداوم روابط حسنه با قشتاله، هدایایی گران‌بها از طلا و نقره به دربار آن‌ها می‌فرستاد (ابن‌عذاری، ۱۹۸۳: ۲۲۸/۳-۲۲۳). به هر حال، آنچه پس از نخستین حکمران بنی‌هود، هودیان را وادار به بهره‌گیری از آل سید فرمانده نظامی پرآوازه اما تبعیدی قشتاله نمود، بحران سیاسی برای جانشینی بود و این اختلافات پس از مرگ سلیمان بن هود شدت گرفت. عرفی که در ساختار سیاسی میان خاندان‌های حکومتی عصر طوایف وجود داشت؛ تقسیم قدرت و چند پاره کردن منطقه فرمانروایی میان چند فرزند بود که این امر علاوه بر تضعیف اقتدار حکومت‌های طوایف، وابستگی چشمگیر آنان به دولت‌های مسیحی را دوچندان کرد. در این میان، گزارش‌های تفصیلی ابن‌عذاری از تقسیم قدرت توسط سلیمان بن هود و تشدید کشمکش‌های بسیار میان خاندان هودی نمونه‌ای از ساختار سیاسی میان دولت‌های طوایف بوده است (بیان‌المغرب ۱۹۸۳ م: ۳/۲۴۶). با تلاطم اوضاع

سیاسی میان خاندان هودی و اصرار مقتدر بن سلیمان بر تمامیت حاکمیت خویش، اوضاع اقتصادی سرقسطه به سوی نابسامانی پیش رفت. در سال‌های ۴۶۸-۴۷۲ ق موقعیت و قدرت مقتدر در پی نزاع با برادرش مظفر در لارده و اعلام خودمختاری از سوی او و کاهش توان پرداخت جزیه به دولت قشتاله متزلزل گشت. مقتدر حاکم سرقسطه برای جلوگیری از خسارت‌های بیشتر و پایان دادن به آشوب‌ها در قلمروش از آل سید استمداد خواست. به نظر می‌رسد مقتدر هودی به نوعی دست به قمار زد و آل سید را عامل‌ده وارد دستگاه حکومتی کرد؛ چراکه به خوبی از شجاعت و برتری او مطلع بود. از طرفی، با تشدید کشمکش‌های درون خاندانی و تزلزل پایه‌های قدرت خویش و حفظ امنیت قلمروش، راه حل را در سپردن تمامی اختیارات امور نظامی به شخص قدرتمند غیر بومی دانست. آل سید که در دوره آلفونسو مقام و مرتبه نظامی خود را از دست داده بود و در تبعید به سر می‌برد، به دنبال فرصتی برای باز پس‌گیری و احیای قدرت و جایگاه سابق خویش بود. به همین دلیل بی‌درنگ پیشنهاد حضور در دربار بنی‌هود را پذیرفت.

در بدو ورود به دستگاه حاکمیت علاوه بر استقبال باشکوه، بالاترین درجه نظامی از سوی مقتدر هودی به او عطا شد (ابن‌عذاری، ۱۹۸۳ م: ۳/۲۶۵). بسیاری از مورخان حوزه اندلس از جمله ابن‌بسام (۵۴۲ ق/۱۱۴۷ م) و ابن‌عذاری این سیاست مخاطره‌آمیز هودیان را به شدت نکوهش کرده و عمل و رفتارهای سیاسی آنان را مملو از جاهلیت دانسته که در تضعیف و سقوط حکومت هودیان و دیگر خاندان‌های عصر طوایف تأثیر فراوانی داشته است (ابن‌بسام: ۲۰۰۰ م: ۲/۹۵).

### ۳. عملکرد آل سید در دستگاه بنی‌هود

حضور آل سید در دستگاه هودیان از دو جهت قابل بررسی است؛ نخست ارائه خدمات نظامی مهم و دیگری کوشش

هایی در تضعیف هودیان. اقدامات او در زمینه نظامی برای هودیان داشته بسیار قابل توجه بود. در عصر مقتدر او با بهره گیری از قدرت نظامی و جنگاوری، همه رقبای داخلی هودیان را شکست داد و توانست در مدتی کوتاه حکومت مقتدر هودی را تثبیت کند. به همین دلیل مقتدر هودی توانست در دوره خویش، زمینه‌های رشد فرهنگی، اقتصادی و هنری در جامعه را فراهم آورد (سامرائی، بی تا: ۱۵۸).

دوره حکمرانی مقتدر را می توان عصر آرامش حکومت هودیان نامید. او با رشادت‌های آل سید، شورش‌های قلمرو خود را سرکوب کرد؛ به عنوان نمونه آل سید در سال ۵۳۴ق با تاخت و تاز به سرزمین لارده، قلمرو یوسف بن سلیمان دیگر برادر مقتدر هودی که علیه سرقسطه دست به شورش برداشته بود، را وادار به عقب نشینی نماید. مقتدر هودی با ارسال هدایا و طلاهای گران بها به آل سید و همچنین با ارتقای جایگاهش در دربار بنی هود، مراتب سپاس و قدردانی از زحمات او را اعلام نمود (ابن عذاری، ۱۹۸۳م: ۲۵۴/۳).

مقتدر هودی در اواخر حکومتش همان سیاست‌های نامطلوب پدرش درباره جانشینی را تکرار کرد و سرزمین هودیان را به دو منطقه شرقی و غربی تقسیم نمود؛ دگربار سرقسطه و دیگر قلمرو آن در اثر منازعات داخلی هودیان ناامن گشت و کوشش‌های موتمن بن مقتدر برای حفظ امنیت در سرقسطه بی ثمر ماند. بنابراین دو برادر برای رویارویی با یکدیگر دست به دامان دولت‌های مسیحی شدند؛ از جمله منذر از حکومت آراگون استمداد طلبید.

(بیضون: ۱۹۸۶م: ۳۶۵؛ عبدالحلیم، بی تا: ۳۴۳). بدین ترتیب، دگر بار آتش جنگ‌های درون خاندانی شعله ور شد و آل سید که به دنبال دست‌یابی به اهداف و منافع خود بود سعی کرد نقش موثری در ساماندهی و مهار شورش داخلی هودیان داشته باشد. از این رو، در سال ۴۷۵ق سپاه منذر هودی که متشکل از جنگجویان مسیحی آراگون و کنت

برشلونه بود، شکست خورد (ابن عذاری، ۱۹۸۳م: ۲۳۵/۳). بدین ترتیب آل سید ثبات و امنیت را دوباره به سرقسطه بازگرداند. رهاورد این پیروزی چشمگیر که ضامن ثبات قدرت و حفظ امنیت موتمن بود، کسب بالاترین منصب نظامی از سوی دربار هودیان بود. آل سید با سلحشوری و جنگاوری‌های پی در پی، به دستگاه هودیان جان تازه‌ای دمید و بنی هود را مدتی از ورطه سقوط نجات داد و توانست نقشی مهم در تاریخ سیاسی نظامی حکومت بنی هود ایفا نماید. (ابن عذاری، ۱۹۸۳م: ۲۷۶/۳؛ عنان، ۱۳۶۷: ۲۷۳/۲-۲۷۵).

دوره مقتدر هودی را باید سرآغاز نقطه عطفی در تاریخ هودیان و اندلس دوره ملوک الطوائف به شمار آورد؛ او با اتخاذ تصمیمی مهم مبنی بر آوردن جنگجویی حرفه‌ای به منطقه، نه تنها بر اضمحلال هودیان نقش مهمی داشت، بلکه بر وضعیت سیاسی دیگر دولت‌های مسلمان اندلس اثر گذاشت؛ آل سید با ورود به دربار هودیان و به دست گرفتن تمامی امور نظامی، علاوه بر مطلع شدن از اوضاع نابسامان سیاسی و نظامی هودیان، با انجام لشکرکشی‌ها به مناطق اندلس به تدریج از موقعیت‌های سیاسی - نظامی دیگر حکومت‌های کوچک و بزرگ، وضعیت جغرافیایی و ثغور اندلس و از همه مهم تر عدم اتحاد میان آن‌ها پی برد و بدین ترتیب، در پی تصرف قلمرو فرمانروایی دولت‌های کوچک اندلس برآمد (ابن عذاری، ۱۹۸۳م: ۲۷۹/۳).

#### ۴. تضعیف هودیان و تصرف شهرهای شرقی اندلس

آنچه آل سید را به قدرتی بلامنازع در منطقه شمال شرقی اندلس مبدل کرده بود؛ کامیابی‌های مکرر نظامی برای مقتدر و سپس موتمن هودی نبود، بلکه بحران‌های داخلی هودیان، نوع عملکرد و نگاه حمایتی بنی هود به آل سید و سپردن اختیارات نظامی به او بود. آنگاه که هودیان در سال ۴۸۱ق/۱۰۸۸م قصد تسخیر بلنسیه همسایه شرقی را داشتند

و لشکر را به آل سید سپردند، او نه تنها به حمایت از حکومت بنی هود به دنبال فتح بیشتر قلمرو بر نخاست، بلکه خود چشم به سرزمین بلنسیه دوخت و قلمرو حاکم عامری بلنسیه، قادر بن ذوالنون (۴۸۵ق/۱۰۹۲م) را مورد تاخت و تاز قرار داد (ابن عذاری، ۱۹۸۳: ۲۸۴/۳؛ عنان، ۱۳۶۷: ۲۸۹/۲؛ Dennis, 1845: 53). در همین راستا، آل سید که از اوضاع نابسامان نظامی و داخلی اکثر دولت‌های شمال شرقی اندلس اطلاع داشت، برای تصرف این مناطق دست به اقداماتی زد؛ او پیمان‌ش با هودیان را نقض و سپس تلاش کرد با فتح مناطق کوچک شمال شرقی اندلس علاوه بر تقویت موقعیت نظامی خویش، زمینه را برای تسخیر بلنسیه آسان کند (عنان، ۱۳۶۷: ۲۶۹/۲-۲۸۷؛ حجی، ۱۹۷۶م: ۳۷۱). بدین ترتیب، آل سید در سال ۴۸۲ق/۱۰۸۹م به همراه لشکریانش حملات شلیدی به قلمرو حکمرانان کوچک مسلمان سرزمین‌های شمالی شرقی از جمله قلمرو شنتمریه و سپس مریطر در شمال بلنسیه و جبال البونت داشت و به راحتی به اراضی مسلمانان نفوذ یافت و حکمرانان این منطقه را در تنگنا قرار داد (ابن عذاری: ۱۹۸۳م: ۳۰۹/۳). سپس با یورش به هودیان مانع پیشروی آنان در سرزمین‌های شرقی شد (عنان، ۱۳۶۷: ۲۸۹/۲). آل سید با تاخت و تازهای بی شمار توانست علاوه بر تصرف برخی مناطق شرقی اندلس، پایگاهی مستقل نظامی تحت امر خویش نیز در همین محدوده تأسیس کند و به یکی از قدرتمندترین چهره‌های نظامی در شرق اندلس تبدیل شود. او با بهره از اختلافات درون خانوادگی حکومت بنی هود، با مخالفین حکومت یعنی منذر عموی مستعین هودی که قلمرو لارده در شرق سرقسطه را در اختیار داشت ائتلاف کرد و بر مناطق مستعین هودی تاخت (عنان، ۱۳۶۷: ۲۶۹/۲؛ حجی، ۱۹۷۶م: ۳۷۱).

آل سید با حضور در دستگاه بنی هود به مدت کوتاهی هودیان را به ثبات سیاسی رساند، اما مادامی که شرق اندلس را مناسب تاخت و تاز دید، در پی گسترش فتوحات در سرزمین‌های شرقی ملوک الطوائف اندلس برآمد. بدین منظور، او در اولین اقدام علاوه بر نقض پیمان نظامی با هودیان، علیه آنان وارد نبرد نظامی شد. سپس با لشکرکشی به مناطق کوچک، شمال شرقی اندلس حکام آن‌ها را به زانو درآورد و در این مناطق یکه تازی می‌کرد و در آن برهه هیچ دولت مقتدری خاصه در شمال شرق و شرق اندلس وجود نداشت تا مانع پیشروی‌های وی شود. از این رو، با ایجاد ترس و وحشت در میان دولت‌های کوچک منطقه شرق اندلس، آن‌ها را وادار به تسلیم نمود و زمینه را برای تصرف شهر مهم بلنسیه فراهم آورد. از سویی، اوضاع نابسامان سیاسی در بلنسیه سبب ترغیب آل سید به تصرف کامل شهر شد بود؛ آنچه او را مصمم به دست‌اندازی بلنسیه نمود؛ فقدان دولتی مقتدر در مقابل شورش‌ها و بی‌ثباتی سیاسی این شهر بود؛ زیرا جنبشی در بلنسیه به رهبری قاضی شهر، عبدالله بن جحاف المعافری (۴۸۷ق/۱۰۹۴م) علیه قادر ابن ذوالنون حکمران آن منطقه شکل گرفته بود. آل سید سعی کرد با بهره‌گیری از شورش‌های داخلی و با قول و قرار، نظر ابن اجحاف را جلب کند. بنابراین با همراهی او در سال ۴۸۸ق/۱۰۹۵م توانست به راحتی وارد شهر شد. او پس از ورود به شهر، ابن اجحاف و دیگر بزرگان و مردم را از دم تیغ گذراند و موفق شد بلنسیه را به تصرف کامل خویش دریاورد (ابن عذاری، ۱۹۸۳م: ۳۱۲/۳).

سقوط بلنسیه نقطه عطفی در تاریخ سقوط حکومت‌های مسلمان طوائف اندلس بود؛ زیرا سقوط این شهر علاوه بر اینکه زمینه را برای ورود دیگر مسیحیان دولت‌های شمال اسپانیا به سرزمین‌های اندلس باز کرد، بلکه حکمرانان مسیحی اسپانیا را متوجه این مسئله نمود که هیچ حکومت

اقتدار نظامی خود و کسب پیروزی‌های موقت برای هودیان درصدد به فعلیت رساندن اهداف نظامی خویش که همان تشکیل حکومتی مستقل در شرق سرزمین‌های اندلس بود، برآمد. ورود آل سید به دستگاه هودیان نه تنها باعث سقوط آنان شد، بلکه زمینه فروپاشی دیگر سرزمین‌ها و مناطق مهم شرقی اندلس را فراهم نمود.

#### کتابنامه

- ابن حزم، *جمهره الانساب العرب*، بیروت: بی‌نا، ۱۹۸۳م.
- ابن بسلام، ابوالحسن علی، *المذخیره فی محاسن اهل الجزيرة*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار الغرب الاسلامیه، ۲۰۰۰م.
- ابن خطیب، لسان الدین محمد، *اعمال الإعلام فیمن بویع قبل الأحتلام من ملوک الاسلام*، تحقیق لینی پروفنسال، بی‌جا: دار المکشف، چاپ سوم، ۱۹۵۶م.
- ابن عذارى، ابوالعباس احمد بن محمد مراکشى، *البيان المغرب فی اخبار المغرب و الاندلس*، به تحقیق س. کولان و لفی پروفنسال، بیروت: دارالتقافه، ۱۹۸۳م.
- ابن کردبوس، ابومروان عبدالملک، *تاریخ الاندلس و وصفه*، تحقیق احمد مختار عبادی، مادرید: معد دراسات الاسلامیه، ۱۹۶۵م.
- بیضون؛ ابراهیم، *دولة العربیه فی اسبانيا من الفتح حتى سقوط خلافة*، بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۶م.
- پروفنسال، لفی، *للاسلام فی المغرب و الاندلس*، ترجمه سید العزیز سالم و محمد صلاح الدین حلمی، القاهره: مطبعة نهضة مصر، بی‌تا.
- حجی، عبدالرحمن علی، *التاریخ الاندلسی من الفتح حتى سقوط غرناطة*، بیروت: دارالقلم، ۱۹۷۶م.
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم، *منتخبه من کتاب الروض المعطار فی خبر الاقطار*، به تصحیح لفی پروفنسال، بیروت: دارالجلیل، ۱۹۸۸م.
- سامرای، خلیل ابراهیم، *علاقات المرابطين بالممالک الاسبانه و الاندلس*، عراق: بی‌نا، بی‌تا.
- سجادی، صادق، *آلفونسو*، تهران: مرکز دائرة المعارف، ۱۳۶۷.
- عبدالحلیم، رجب محمد، *الاندلس الاسلامیه و اسبانيا النصرانیة*، القاهره: دارالکتب مصری: بی‌تا.

مقتدری در اندلس وجود ندارد تا به رویارویی لشکر آنان پردازد. از طرفی نزاع میان حکومت‌های طوایف بیش از پیش شده بود. به عنوان نمونه در همین زمان که آل سید در شرق اندلس شبیخون می‌زد، میان خاندان‌های طوایف تاخت و تاز شدیدی برای گسترش قلمرو بود؛ از جمله بن عباد حاکم اشبیلیه که قدرتمندترین حکمران طوایف بود دنبال لشکرکشی به دیگر سرزمین حکام مسلمان بود. آل سید از اختلافات میان حکام مسلمان نهایت بهره را برد. پس از تضعیف هودیان و تصرف سرزمین‌های کوچک شرق اندلس موفق شد بر منطقه مهم و استراتژیک بلنسیه و نواحی آن سیطره یابد و حکومتی مستقل در بلنسیه تشکیل دهد.

#### ۵. نتیجه‌گیری

تحولات قرن پنجم هجری در اندلس، شکاف‌ها و چالش‌های اساسی در ساختار سیاسی- نظامی دولت‌های ملوک الطوایف ایجاد کرد؛ چراکه بسیاری از حکام طوایفی اندلس از فرماندهان سابق حکومت امویان در بدنه قدرت بودند که اکنون قدرت منطقه خویش را در دست گرفته بودند. این حکام ناگزیر برای حفظ حکومت‌هایشان متوسل به دولت‌های مسیحی اسپانیا شدند و از خطرات سیاسی و بالقوه‌ای که در آینده گریبانگیر آن منطقه می‌شد چشم پوشی کردند. سرانجام این راهکار، نتیجه‌ای جز از میان رفتن اندلس نداشت. چالش اساسی که در ساختار سیاسی هودیان شکل گرفت وابستگی نظامی به نیروهای نظامی مسیحی بود. در این میان برای بهینه‌سازی اقتدار نظامی از آل سید جنگجوی نظامی و کارکشته سابق قشتاله استمداد خواستند و او را وارد بدنه دستگاه حکومت نمودند. این مسئله نه تنها دستاوردهای بنیادین برای هودیان نداشت، بلکه با رویکرد حمایتی که حکومت بنی هود نسبت به آل سید داشت سبب شد که او خود را در جایگاهی دید که توان درنوردیدن سرزمین‌های شمال شرقی اندلس را دارد. بدین ترتیب، پس از احیای

- عنان، محمد بن عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: کیهان، ۱۳۶۷.

- مقرئ، احمد، نفع الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت: بی‌نا، ۱۹۶۸ م.

- نعنعی، عبدالمجید، اسلام فی طلیطله، بیروت: نهضه العربیه، بی‌نا.

- Fitzhenry, James, **El Cid Gods Own Champion**, USA, 1884.